

ممیزی و سلیبَات آن

کشورهای توسعه یافته، در وضع و اجرای ضوابطی که اجرای آن وابسته به متغیرهای فرهنگ عمومی و تحولات دنیای تکنولوژی است، ارزیابی، تحلیل و بازنگری را در دستور کار دائمی خود دارند.

به گمان نگارنده ممیزی بالینی، تابعی از فرآیند اخلاق و سلامت اجتماعی و حق طبیعی جامعه و خانواده است، با این حال اگر ایستا شود، و بازخوردهای اجتماعی و فرهنگی آن، بین نخبگان و عموم جامعه، ارزیابی و بازنگری نشود، به سرعت از هدف دور شده و به ضد خود مبدل می شود.

در اینجا به زعم خود، بدون اشاره به برخی از ایجابات اقتصادی ممیزی، به پاره ای از سلیبَات آن در حوزه اخلاق اجتماعی - بجز آثار تولیدی در دنیای کودک - اشاره می کند، بدان امید که بتوان برای آن پاسخ هایی آگاهانه و راه حل های منصفانه یافت.

- 1- ممیزی قدرتِ پاکسازی و ویروس پیراهن عثمان را از فرهنگ عمومی ندارد.
- 2- ممیزی قدرت فرهنگ سازی، در تشخیص حق از باطل را، بین آحاد جامعه فراهم نمی کند، و ضرورت این تشخیص را به عنوان واجبی همگانی و عینی **Second - party audit** به دیگری می سپارد.
- 3- ممیزی این تصویر ناقص را ساخته، که هر آنچه در فضای رسانه ای کشور، عرضه می شود، از سلامت اخلاقی، برای عموم و خانواده، برخوردار است!
- 4- ممیزی گذرِ زمان و نقش آن را در غربالِ خوب، از بد، و زشت از زیبا، نادیده فرض می کند.
- 5- ممیزی، به بالا رفتن آستانه تحمل جامعه، کمک نمی کند، و حتی برابر شواهد بیرونی، اثری معکوس داشته است.
- 6- ممیزی، ارزش پیشکسوت و اشتهار علمی مولف را نادیده می گیرد، و تمامی افراد را در یک صف، پشت میز ممیزی می نشاند.
- 7- ممیزی تمامی صاحبان اثر را، به عنوان بازیگرانِ نقش خوب ها! یکسان! روی صحنه اجتماع می آورد!
- 8- ممیزی، زمینه سازِ روح نفاق، در بین برخی از پدیدآورندگان شده، و خلوت ها و جلوت هایِ دوگانه آفریده است. پدیده ای که شِکوه از آن، به منبر نمازهای جمعه نیز کشیده شده است!

- 9- ممیزی قدرتِ إدراکِ روحِ خلاقِ شاعر، ادیب و فیلسوف را ندارد، که اگر داشت، دیگر آن اثر خلاق نام نمی گرفت!
- 10- ممیزی فرهنگِ صبرِ جمیل در جامعه را تبلیغ نمی کند، و شنیدنِ باورمخالف، و نقد و تحلیلِ اندیشه دیگری را ترویج نمی کند. در حالی که اخلاقِ پیامبر اعظم " قل هو اذن خیر لکم " است.
- 11- ممیزی زمینه سازِ روشِ - خود اصلاحی - نبوده، و سنتِ مُراقبه و مُحاسبه را در رفتارهای اخلاقیِ اجتماع، به محتسب می سپارد.
- 12- ممیزی از واکسینه کردن فرهنگ و اخلاقِ جامعه برابرِ توفان های بزرگ، عاجز است.
- 13- ممیزی پرورشگاهی برای گیاهان گلخانه ای است، و پاستورازسیونِ پیش از توزیع را، برای اهدافِ متعالی، که در اصل باید از اراده ای مختار برخیزد، کافی می پندارد.
- 14- ممیزی، به اجبارِ آیین نامه ها، هر رطب و یابسی را پس از انتشار، و یا بر روی صحنه رفتن، اثر، موسیقی، فیلم، تئاتر و کتاب می نامد، و ذیل آمارهای رسمی، پُزیشنِ توهمِ رشد را مدعی شود!
- 15- ممیزی، جنسِ پیشینی دارد، و مانعی بر سر راهِ کوره گداخته فرهنگ نقد و نقادی به عنوان مقوله ای پَسینی است. در این سالهای تقریباً هیچ کتابی در نقد کتابی دیگر، انتشار نیافته، و این سنتِ دیرین تمدن اسلامی، در کشور از بین رفته است!
- 16- ممیزی روحِ تضاربِ آراء را میرانده، و فکر و اندیشه را همچون کله قند فریمان، سیری شده پسندیده است.
- 17- ممیزی موجب خلطِ مفهومی، بینِ انداز و اجبار شده است.
- 18- ممیزی موجب خلطِ عملی، بین حکمِ امرِ ضروری، و حکمِ امرِ نظری شده است.
- 19- ممیزی قدرتی خارق العاده ای در تولید رفتارِ خود مرجع پنداری، و خود حجت پنداری دارد.
- 20- ممیزی به برخی از ناشران، امکان سوء استفاده داده، تا جایی که به راحتی گناه تاخیر در انتشار کتاب مولف مظلوم را متوجه دستگاه دولتی می کنند.
- 21- ممیزی امکان سودا گری به برخی ناشران داده، تا بتوانند گاهی اثری بی ارزش را با ابزار شایعه به مخاطب قالب کنند. شایعه هایی همچون اینکه؛ کتابِ منتشر شده از زیر تیغ ممیزی فرار کرده، و یا وزارت ارشاد اسلامی، در حال جمع آوری آن است!

- 22- ممیزی بسیاری از ناشران را نسبت به وظیفه مهم ویراستاری بی توجه کرده است.
- 23- ممیزی امکان انتشار کاتالوگ را از ناشر گرفته، و ناشر نمی تواند تازه های نشر خود را پیش از موعد معرفی کند. چیزی که در دنیا معمول است، و به چرخه اقتصاد نشر کمک جدی می کند، و این امکان را فراهم می سازد، تا تیراژ از تقاضا پیروی کند.
- 24- رفتار ممیزی، به نظام ارزش گذاری و رده بنده در حوزه آموزش عالی و نظام قضایی کشور بی توجه بوده، و ترسیم گر نظام یک بام و دو هوا، در بخش آموزش و فرهنگ کشور است.
- 25- ممیزی، کارکرد رسانه را از کتاب را گرفته و نمی توان کتابی را هم گام و هم زمان با حوادث، سمینارها، وفات بزرگان، و ... روانه بازار کرد.
- 26- فرهنگ ممیزی، امکان قدرت نمایی مکتوب از اندیشمندان کشور را در عرصه بین الملل گرفته است. هنوز خیلی از صاحب نظران کشور، همچون مرحوم استاد شهید مطهری هستند که زبان خارجی نمی دانند، و اندیشه مخالف را اگر به فارسی نخوانند، نمی توانند نقادی کنند.
- 27- ممیزی چالش های تکنولوژی و دنیای سایبری را ندیده گرفته است، و گویی بیشتر وظیفه توجیه و پاسخگویی به دستگاه های نظارتی و بولتن های محرمانه را بر عهده دارد، تا اصلاح را! (با نگاهی گذرا به کتابها، موسیقی ها و کلیپ های عرضه شده خارج از ویتترین های عرضه، می تواند به تشریفاتی شدن قوانین ممیزی، همچون قانون منع ماهواره اذعان کرد)
- 28- ممیزی، به چرخش فرهنگ و هنر زیرزمینی، و پشت بامی، و غیر قابل رصد در جامعه بی توجه است، و وظیفه خود را در پشت میز رسمی، تمام شده می پندارد. این حالت شبیه رفتار مامور گمرکی است، که چون کارش را در مبادی رسمی به پایان می رساند، می پندارد مشکل موریانه قاچاق کالا را هم حل کرده است!
- 29- ممیزی، شأن قضاوت نیز دارد، در حالی که دستگاه قضا، نیروی متخصص برای آن پرورش نداده، و سایر دستگاه ها هم به ناچار، شأن آن را به مرتبه اداری فروکاسته اند.

دکتر محمدرضا وصفی